

نگاهی به نشریات طنز و فکاهی سال اول پیروزی انقلاب اسلامی (۴)

## یکی به نعل یکی به قطب زاده!

بهزاد توفیق فر

پژوهشگر



قطب زاده - ما هم منتظر ...



## خوانندگان زن خیال بر گشتن دارند!



با توجه به اینکه عملکرد ضعیف و مدیریت پرمدها اما بی‌خاصیت دولت موقت، هر روز بیشتر از دیروز توی ذوق جامعه انقلابی سال ۱۳۵۸ می‌زد، بهلول به عنوان اولین نشریه طنز منتشر شده که توانسته بود از یک توقیف دولت موقت جان سالم به در ببرد، تلاش داشت اندک اندک جهت گیری خود را به سمت و سویی که آینده بهتری برایش متصور بود تغییر دهد. این نشریه از دفاع کامل از دولت به سوی نقدهای جدی‌تر و نشستن در جایگاه منتقد دولت حرکت کرد اما نه چنان با سرعت و عمیق که دوباره توقیف شود. این حرکت با مظلوم‌نمایی و تکرار شعار «ما خیلی مظلومیم که توسط دولت موقت توقیف شدیم» بود. همزمان، حدس و گمان‌هایی را که درباره کاندیداهای اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در جامعه وجود داشت دنبال می‌کرد و تلاش داشت تا با ارتباطات درون و برون سازمانی؛ و به دست آوردن نظرات جامعه، حدس بزند که چه کسی یا چه کسانی شانس بیشتری برای رییس جمهور شدن دارند و با کاریکاتورها و تیتراهای مثبت از آنان حمایت کند یا حتی برایشان رپرتاژ آگهی طنز منتشر کند. یکی از این افراد، صادق قطب زاده، رئیس وقت رادیو و تلویزیون ملی (سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی فعلی) بود. گرچه پیش از این و در درگیری‌های قطب زاده و بازرگان، بهلول علناً طرف بازرگان را گرفته بود.

بازرگان و دولت موقت اصرار داشتند که همه امکانات رادیو و تلویزیون ملی باید در دست در خدمت بیان نکات مثبت درباره دولت موقت و انتشار اعلامیه‌ها و نقطه نظرات دولتمردان برآمده از نهضت آزادی باشد و در واقع نقش معاونت رسانه‌ای دولت موقت را بازی کند. قطب زاده اما تلاش می‌کرد از همین ابتدای کار، ضمن کشتن گریه در ورودی حجله، سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران را نهادهای نه تنها جدا از دولت، بلکه بالاتر و بالادست دولت نشان دهد و جایبندازد. در این جنگ سرد، بهلول سعی داشت تا میانه را بگیرد اما اگر قرار بود غش کند، حتماً سمت قطب زاده غش می‌کرد. قطب زاده سرپرسودا، رفتار سلبریتی وار و منابع مالی و رسانه‌ای داخلی و خارجی قابل توجهی در دست داشت. احمد سکاکی صاحب امتیاز و مدیرمسئول بهلول در شماره ۳۱، شانزده دی ماه سال ۱۳۵۸ نوشت:

«وقتی روزنامه‌ها نوشتند عباس امیرانتظام (۱) ممکن است با آمریکا روابطی داشته باشد آقای بازرگان در سخنرانی‌هایشان می‌گفتند مطبوعات چه تمهت‌های ناروایی به همکاران صدیق می‌زنند. عده‌ای [هم] با چوب و چماق به دفاتر مطبوعات و حتی به بساط روزنامه‌فروشی‌ها حمله می‌کردند که تاکنون کسی نمی‌دانست از کجا می‌آیند ولی حالا می‌توان گفت بدون شک دارودسته آقای امیرانتظام و جاسوسان دیگری نظیر ایشان بوده‌اند و به این وسیله می‌خواستند صدای مطبوعات را در گلو خفه کنند که با نهایت تأسف باید بگوییم تا اندازه‌ای هم موفق شدند.»

اما هر دو - هم بازرگان و هم قطب زاده - و هم بسیاری از جناح‌ها و گروه‌های نسبتاً انقلابی! یا غیرانقلابی، هنوز نگاهشان به خارج از کشور و جلب حمایت بیرونی بود. حتی امید بسیاری به ایرانیان خارج از کشور داشتند تا هم رأی‌شان را به نفع خود جلب کنند و هم آنها بتوانند با جلب و جذب رأی توده مردم، امکان موفقیت و دستیابی به جایگاه ریاست جمهوری را بالاتر ببرند. البته که این دومی، با توجه به نقش تبعیدی‌ها و انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور در انتقال پیام‌های امام خمینی (ره) به داخل کشور و مهمانداری آنان در مدت تبعید حضرت امام (ره) در نوفل لوشاتو، پُر بیراه نبود.

دیگر کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری، ابوالحسن بنی‌صدر بود. بنی‌صدر در تیرماه ۱۳۵۸ معاون وزیر اقتصاد دولت موقت و پس از استعفای دولت موقت در آبان ماه همان سال، همزمان به سمت وزیر اقتصاد و دارایی و سرپرست وزارت امور خارجه شد.